



Investigation of the Hero's Fundamental Character Evolution in the Myths of the “Ahubache” and the “Khahar va Baradar” Considering Campbell's Theory of the Hero Journey

Mehdi Esmaeli¹| Mehrdad Chatraei Azizabadi²

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Department of Persian Literature, Azad University of Najafabad, Najafabad, Iran. E-mail: Mahdi13622@yahoo.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor in Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Department of Persian Literature, Azad University of Najafabad, Najafabad, Iran. E-mail: m_chatraei@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 22 February 2022

Received in revised form:
12 July 2022

Accepted: 17 July 2022

Keywords:

Archetype,
Hero,
Journey,
Personalitychange,
Psychological ritique.

ABSTRACT

A subcategory of psychological critiques is Jung's archeology critique through which the existing archetypes are examined. Archetypes are hereditary and refer to ambiguous and complicated levels of collective subconscious among humans. Having penetrated the collective subconscious, they become an inherent part of individuals' psychological organization. One of the most practical and universally known archetypes, also known as the core of the sole myth, is Campbell's concept of "hero journey". As it is claimed in this archetype, the journey comprises three stages of departure, separation, and return, and the development of archetype in individuals' psyche entails passing through the provided stages. Same as this subject, heroes in various legends appear in different forms that have a similar story. Through the integration of descriptive-analytical method, the current study aims at analyzing the myth of "Ahu bacheh" and "sister and brother" through the critique archetype of hero journey. Irrespective of the symmetrical and asymmetrical aspect of time, heroes in such legends are analyzed and their structural similarities will be uncovered. Hero's journey in works of different nations follow a unique pattern. The awakening of the inner hero in the protagonist based on Campbell's idea is a true representation of his theory of sole myth which leads to the process of transformation.

Cite this article: Esmaeli, M., Chatraei Azizabadi, M. (2023). Investigation of the Hero's Fundamental Character Evolution in the Myths of the “Ahubache” and the “Khahar va Baradar” Considering Campbell's Theory of the Hero Journey. *Research in Comparative Literature*, 13 (1), 19-41.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7516.2368](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7516.2368)



التحليل الأسطوري لتطور الشخصية الأساسية للأبطال في أسطوري «أهويجّه» و «خواهر و برادر» وفقا لنظرية «الرحلة البطولية» لكامل

مهدي اسماعيلي^١ | مهرداد چترايي عزيزآبادي^٢

١. الدكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، كلية اللغة الفارسية وآدابها، جامعة شهركرد الحرّة، شهركرد، إيران. العنوان الإلكتروني: Mahdi13622@yahoo.com

٢. الكاتب المسؤول، الأستاذ في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية اللغة الفارسية وآدابها، جامعة نجف آباد الحرّة، نجف آباد، إيران. العنوان الإلكتروني: m_chatraei@yahoo.com

الملخص

معلومات المقال

يعد نقد النمط البدائي لليونغ فرعا من فروع النقد المعرفي. هذا النوع من النقد يدرس الأنماط البدائية في الأثر. هي مستويات غير معروفة من اللاوعي الجماعي يرثها الشخص. تتحوّل تلك الأنماط إلى النظام المعرفي للفرد بعد تسربها في اللاوعي الجماعي. تعتبر «الرحلة البطولية» لكامل إحدى الأنماط البدائية العنصرية التي تكون أكثر استعمالا وهو قد أطلق عليه «الجوهر أو المعنى الحقيقي». يعتقد كامل أنّ الرحلة تتكون من العزلة، والانفصال، والعودة فبعد هذه المراحل، تنمو الأنماط البدائية لدى الفرد. في الاتجاه الآخر، توجد أبطال مختلفة في الأساطير المتنوعة ولهم مسارات متشابهة. يهدف البحث الحالي إلى نقد النمط البدائي للرحلة البطولية في أسطورة «أهويجّه» (الغزال صغير السن) و«خواهر و برادر» مستندا إلى المنهج الوصفي - التحليلي. تدرّس الأبطال في هاتين الأسطورتين ومواطن التشابه بينهما في الرحلة البطولية دون الانتباه إلى المزامنة وغيرها. في مختلف السرديات الدولية، يتبع الكثير من الرحلات البطولية نمطا واحدا. يقظة البطل الداخلي في شخصية الأبطال وهي تتبع ممّا قدّمه كامل من النمط، تعدّ المرحلة الأخيرة للنظرية للمذكورة وتنتهي إلى عملية التحويل.

نوع المقال: مقالة محكمة

الوصول: ١٤٤٣/٧/٢٠

التنقيح والمراجعة: ١٤٤٣/١٢/١٢

القبول: ١٤٤٣/١٢/١٧

الكلمات الدلالية:

النمط البدائي،

البطل،

الرحلة،

تحويل الشخصية،

النقد النفسي.

الإحالة: اسماعيلي، مهدي؛ چترايي عزيزآبادي، مهرداد (١٤٤٤). التحليل الأسطوري لتطور الشخصية الأساسية للأبطال في أسطوري «أهويجّه» و «خواهر و

برادر» وفقا لنظرية «الرحلة البطولية» لكامل. *بحوث في الأدب المقدون*، ١٣ (١)، ١٩-٤١.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7516.2368](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7516.2368)



تحلیل اسطوره‌شناختی سیر تحول شخصیت بنیادین قهرمان، در افسانه‌های «آهوپیچه» و «خواهر و برادر» بر اساس نظریه «سفر قهرمان» کمپبل

مهدی اسماعیلی^۱ | مهرداد چترایی عزیزآبادی^۲

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه:

Mahdi13622@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، نجف آباد، ایران. رایانامه:

m_chatraei@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نقد کهن‌الگویی یونگ، از زیرمجموعه‌های نقد روان‌شناختی است. در این‌گونه نقد، آرکی‌تایپ‌های موجود در اثر بررسی می‌شوند. آن‌ها، لایه‌های مبهم ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر هستند که جنبه موروثی دارند و با نفوذ در ضمیر ناخودآگاه جمعی، بخشی ذاتی از سازمان روان‌شناختی فرد می‌شوند. یکی از پرکاربردترین کهن‌الگوها که الگویی جهانی و معتبر است؛ «مقوله سفر قهرمان کمپبل» است. وی آن را «هسته اسطوره یگانه» نامید. کمپبل سفر را متشکل از سه مرحله: عزیمت، جدایی و بازگشت می‌داند که رشد کهن‌الگوها در روان فرد، مستلزم گذر از این مراحل است. برابر این مقوله، قهرمانان در افسانه‌های گوناگون، در قالب و هیئت‌هایی مختلف هستند و سرگذشتی مشابه دارند. پژوهش حاضر به روشی توصیفی - تحلیلی با هدف نقد کهن‌الگویی سفر قهرمان در افسانه «آهوپیچه» و «خواهر و برادر» است. قهرمان در این افسانه‌ها، بدون در نظر گرفتن تقارن زمانی و عدم تقارن آن، واکاوی می‌شوند و شباهت‌های ساختاری سفر قهرمان محرز می‌شود. سفر قهرمان در آثار روایی ملّت‌های گوناگون، بیشتر از الگویی واحد پیروی می‌کنند. بیداری قهرمان درون در وجود شخصیت‌های قهرمانی بر پایه انگاره کمپبل، پایان‌دهنده این نظریه است که باعث فرایند دگردیسی می‌شود.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۶

واژه‌های کلیدی:

آرکی‌تایپ،

قهرمان،

سفر،

تحول شخصیت،

نقد روان‌شناختی.

استناد: اسماعیلی، مهدی؛ چترایی عزیزآبادی، مهرداد (۱۴۰۲). تحلیل اسطوره‌شناختی سیر تحول شخصیت بنیادین قهرمان، در افسانه‌های

«آهوپیچه» و «خواهر و برادر» بر اساس نظریه «سفر قهرمان» کمپبل. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۳ (۱)، ۱۹-۴۱.



© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7516.2368](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7516.2368)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

دانش تبارشناسی یا "Genealogy" با سابقه طولانی خود و بعد از رنسانس به ویژه در سده نوزدهم به عنوان روشی علمی، مدرن و یک رویکرد معرفت شناختی مورد توجه علوم و بخصوص علوم انسانی قرار گرفت. یکی از این رویکردها در شناخت علوم انسانی و تبارشناسی (قوم شناسی)، رویکرد روان شناختی و نقد و بررسی داستان‌های کهن از منظر نقد کهن‌الگویی است.

انگاره نقد کهن‌الگویی را نخستین بار کارل گوستاو یونگ (نویسنده فرانسوی) مطرح نمود و نمایانگر آن است که یک بیان ادبی، دستاورد و برآوردی از ذهن ناخودآگاه و حاصل تجربه جمعی نوع بشر است. منتقد در این گونه نقد، رویکرد و مطالعه خود را معطوف به بررسی کهن‌الگوهای موجود در نوشتارهای ادبی می‌سازد.

در روش نقد کهن‌الگویی اثر؛ در راستای پژوهش و واکاوی کهن‌الگوهای موجود در یک اثر، نحوه پذیرش آن‌ها توسط ذهن خالق اثر، نشان داده می‌شود. هم‌زمان و در راستای نظریات نوین نقد ادبی در سده بیستم، دیدگاه نوینی از آثار ادبی نمایان شد و خواننده با جنبه‌های گسترده، شگرف و جدید در آثار پیش رو آشنا شد. «نقد کهن‌الگویی^۱» در حقیقت از رابطه ادبیات و هنر با اعماق سرشت بشری سخن می‌گویند؛ زیرا این نوع نقد اثر، یکی از زیرمجموعه‌های نقد روان‌شناختی نوین است. «منتقدان این شیوه، عمیقاً جستجوی صورت‌های مثالی و هنری در اثر را تجلی نیروهای پویا و ذاتی برخاسته از اعماق روان جمعی بشریت می‌انگارند» (امامی، ۱۳۸۵: ۲۰۲).

صور مثالی که آرکی تایپ، الگوهای باستانی، کهن‌الگو و... ترجمه شده است، حجم گسترده‌ای از عناصر سازنده ناخودآگاه جمعی بشر است. کهن‌الگوها به طرح کلی رفتار بشر گفته می‌شود که منشأ آن‌ها ناخودآگاه جمعی فرد است.

کهن‌الگو^۲ به معنی مدل یا الگویی است که چیزی را از آن می‌سازند. از نظر یونگ، ذهن کودک به هنگام تولد همچون لوح سپیدی نیست، بلکه آموخته‌های موروثی هستند که از چرخه‌های نخستین زندگی بشر به او رسیده و در ضمیر ناخودآگاه مشترک همه انسان‌ها وجود دارد. این گرایش‌های کهن‌فکری و الگوهای کهن رفتاری در همه انسان‌ها، همانند هستند. الگوهایی که از بدو تولد در تمام انسان‌ها وجود دارد و همچون نیرویی شگفت‌انگیز در ژرف‌ترین زیر لایه‌های ناخودآگاه بشر موجود هستند «آن‌ها طنین

1. Archetypal criticism

2. Archetype

رویدادهای ماقبل تاریخ‌اند که هر قرن و زمانه به آن‌ها تنوع و تفاوت بسیار ناچیزی می‌افزاید. سرنمون‌ها ذهن نیاکانمان را، نحوه اندیشیدن، حس کردن و تجربه اندوختن از زندگی آن‌ها را برای انسان معاصر به ارمغان می‌آورند. ما برحسب سال‌ها می‌اندیشیم، حال آنکه ضمیر ناآگاه برحسب هزاران سال می‌اندیشد و زندگی می‌کند» (مورنو، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۰).

ذهن خودآگاه این پارادایم‌ها و گرایش‌ها را به صورت تصویر، نماد و سمبل دریافت می‌کند. نمونه‌ای بارز از این الگوها، چهره‌های نمادینی است که آدم‌ها در زمان باستان در آیین مذهبی و افسانه‌ها به کار می‌برند. همچنین خواب‌ها و افسانه‌ها دربرگیرنده بسیاری از کهن‌الگوها هستند. به بیان دیگر آرکی‌تایپ، محتویات ناخودآگاه جمعی هستند که خود را در رؤیاهای، توهمات، هنر و ادبیات نمودار می‌سازند و ناخودآگاه جمعی ما را شکل می‌دهند.

کهن‌الگوها، اشکال و نگاره‌ها برخاسته از ذات جمعی بشر بوده که در عمل در سراسر جهان، تکه‌های تشکیل‌دهنده افسانه‌ها بوده و درعین حال برآیندهایی فردی و طبیعی برخاسته از ناخودآگاه هستند. آن‌ها شیوه تفسیر رؤیاهای، هنر، اسطوره و افسانه‌ها را در اختیار بشر می‌گذارند. کارکرد کهن‌الگوها؛ نقدی جالب و کارا در ادبیات شفاهی هر یک از ملت‌ها دارد. همه این متون برخاسته از ضمیر ناخودآگاه بشری هستند و با شناخت آن‌ها رازهای درونی هرچه بهتر و بیشتر هویدا می‌شوند.

خاستگاه کهن‌الگوها در دی‌ان‌ای^۱ انسان نبوده، بلکه آن‌ها فرم‌هایی شخصیتی هستند که بیشترین تکرار را در داستان‌ها داشته و در همه نسل‌ها طنین‌انداز شده‌اند. بی‌شک این کهن‌الگوها دارای نقاط ضعفی و قوتی هستند. مخاطب با شناخت این نقاط، می‌تواند تعالیم و اخلاقیات مد نظر داستان را یاد بگیرد، زیرا نوع انسان همواره به دنبال داستان‌گویی و خلق داستان و افسانه بوده و از طریق آن‌ها درک و شناخت زندگی، مفهومی جدی‌تر پیدا می‌کند.

از منظر مبحث روان‌شناختی، واکاوی و تحقیق در روش‌های درهم‌تنیده افسانه‌ها، بسیاری از لایه‌های پنهان و ناخودآگاه موجود در آن‌ها را برای ما هویدا می‌سازد. آنچه بیش از هر چیز سبب مطرح شدن کهن‌الگوها می‌شود، موضوع سفر قهرمانی هر فرد در زندگی شخصی است که جهت نیل به کمال و خودشناسی آن را طی می‌کند.

آرکی‌تایپ، زاییده ذهن یونگ، پژوهشگران دیگر را بر آن داشت تا در راستای این رویکرد «نقد کهن‌الگویی اثر» به کشف نظریات نوین کهن‌الگویی و دیگر کهن‌الگوها موجود در آثار، دست یازند.

آن‌ها همواره به دنبال کشف یکسانی‌ها، همانندی‌ها و کهن‌الگوهای موجود در داستان و اسطوره‌ها ملت‌های گوناگون بوده‌اند. از این روی برخی از آن‌ها در تحلیل و بررسی افسانه‌ها، رویکرد نقد کهن‌الگویی را اساس کار خود قرار دادند. یکی از این پژوهشگران کمپیل بود که با تکیه بر نقد کهن‌الگویی یونگ و بنیان فکری وی، آرکی‌تایپ‌ها را در قالب دوازده دسته چون سایه، نقاب، آنیما و آنیموس و... معرفی کرد. وی معتقد بود؛ این آرکی‌تایپ‌ها در زندگی هر انسانی و در طی سفر قهرمانی خود در این مسیر، باعث رشد ذهنی و روحی او می‌شود.

برآیند این پژوهش آن است که سفر قهرمانی برای رسیدن به کمال فردیت؛ تنها با تکیه بر حضور این کهن‌الگوها در زندگی هر شخصی میسر است. شخصیت اصلی در تمام افسانه‌ها (قهرمان) به دنبال هدفی خاص که کمال فردیت و تکامل شخصیت وی است، رهسپار سفری پر از هراس و پراز مخاطراتی شده و پس از این سفر و پشت سر نهادن رخدادهای فراوان، به این تکامل شخصیتی و فردیت دست یافته، به خانه بازمی‌گردد.

کمپیل^۱ نیز همانند یونگ، به قدرت افسانه و داستان‌ها باورمند بود. وی در نظریه «سفر قهرمانی» خود، داستان‌ها و اسطوره‌ها را بخشی ذاتی و جداناشدنی از سیر تحول و تکامل بشر می‌دانست. این چنین جستارها از منظر نقد ادبی، به عنوان ابزاری برای آموزش و نقشه‌راهی برای انسان‌ها است که از طریق آن، مخاطرات و سختی‌های سفر زندگی را به یکدیگر هشدار داده، رفتار انسان‌ها را به مرحله آزمایش گذاشته که سرانجام، منجر به درکی عمیق، شناخت ابعاد گوناگون و رویه‌های درونی و بیرونی شخصیت‌های انسانی در دوران مختلف بشر خواهد شد.

بر این اساس، افسانه‌های ملل مختلف را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون روان‌شناختی بررسی کرد. یکی از این مباحث، کهن‌الگوهای سفر قهرمان و سیر تحول شخصیت آن در افسانه‌های ایرانی و خارجی، برابر با شالوده‌ها فکری کمپیل است. در نوشتار حاضر بر پایه این نظریه به مقوله سفر قهرمان و سیر و تحول شخصیت و تکامل فردیت وی، در افسانه‌هایی از ملل گوناگون «آهو بچه» نمونه‌ای از افسانه‌های ایرانی و «خواهر و برادر» به عنوان نمونه‌ای از افسانه‌های مغرب زمین (افسانه‌های خارجی) مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته شد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

بررسی الگوی «سفر قهرمان کمپیل» و سیر تحول شخصیت قهرمان در حین و پس از رهسپاری او، در مقایسه

1. Joseph Campbell (born, 1904-died 1987)

با افسانه‌هایی از ملل مختلف، مبین آن است که این الگو، الگویی جهانی است. در سنجش ادبیات شفاهی جهان سفر قهرمان از الگوی خاصی پیروی می‌کند و آن همان الگویی است که کمپبل پایه‌گذار آن بود و آن را «هسته اسطوره‌یگانه» نامید که شامل سه مرحله‌ی عزیمت، جدایی و بازگشت است. در این تحقیق مشخص گردید که الگوی سفر قهرمان که جهت تکامل و رشد فردیت قهرمان صورت می‌پذیرد؛ در اکثر افسانه‌های جهان با افسانه‌های ایران، قابل انطباق است.

اسطوره و افسانه‌های اقوام مختلف دارای ساختاری نظام‌مند هستند. پس با واکاوی و نقد کهن‌الگویی و منشأ پیدایش آن‌ها و نیز از اختلاط و امتزاجشان با افسانه‌های اقوام و فرهنگ‌های دیگر؛ می‌توان به تحولات، تکامل‌ها، دلالت‌ها و مفهوم آن‌ها در اعصار گوناگون با پارادایم‌های مختلف دست یافت.

این چارچوب پژوهش‌ها که در حوزه ادبیات تطبیقی قرار دارند، می‌تواند بستر بایسته‌ای را برای سنجش آثار شفاهی و روایی، فراهم آورد. دستاورد این‌گونه پژوهش‌ها به ما کمک کرده تا به ابعاد ناشناخته‌ای از وجود انسان‌ها و زندگی آن‌ها در طول تاریخ پی ببریم.

مقوله سفر در تمامی افسانه‌ها، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، خود را در قالبی نو تکرار می‌کند تا انسان را به سوی سفری درونی و شناخت نفس که همان کمال و فردیت است، رهنمون کند. افسانه‌ها به‌عنوان بخشی ذاتی از سیر تحول بشر هستند و تحلیل آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای آموزش، راهی فراسوی ما می‌گذارند که از راه آن، سختی و مخاطرات سفر زندگی را به یکدیگر هشدار داده، به‌سادگی رفتار انسان‌ها را سنجیده و در نتیجه آن، همدیگر را بهتر درک کنیم. این‌گونه پژوهش‌ها، برآیندهای بی‌شماری دارد که در ذیل مقاله حاضر به آن‌ها اشاراتی شده.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- شناخت میزان انطباق‌پذیری افسانه‌های ایرانی و نمونه‌های آن در افسانه‌های خارجی با کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپبل؛ تا چه حد می‌تواند باشد؟

- در دو داستان پیش رو کدام‌یک از مراحل سه‌گانه سفر قهرمان، قابلیت انطباق با نظریه کمپبل را دارد؟ فرض آن است که؛ در افسانه‌های ملل گوناگون مراحل سفر قهرمان و نوع خویش‌کاری آن‌ها در راه رسیدن به تکامل در نوع ادبی داستانی (افسانه‌ها) مطابق ساختار نظری کمپبل، تقریباً یکسان است.

با دریافت منشأ پیدایش افسانه‌ها همچنین از آمیختگی با دیگر اسطوره و افسانه‌های اقوام ملل و فرهنگ‌ها؛ می‌تواند به تحولات، تکاملات، دلالت‌ها و اندر یافت آن‌ها در همه اعصار با پارادایم‌های مختلف دست پیدا کرد.

۱-۴. پیشینه پژوهش

در تبیین پیشینه این پژوهش باید گفت که منتقدان با رویکردهای مختلفی تاکنون درباره کهن الگوی قهرمان و مقوله سفر قهرمان آثار و مقالات بی شماری به رشته تحریر درآورده‌اند؛ اما درباره مقوله سفر قهرمان و سیر تحول شخصیت آن در افسانه‌های ملل گوناگون به صورت تطبیقی جز اشارات و پژوهش‌هایی پراکنده، پژوهش منسجمی صورت نگرفته است. از جمله، این مقاله‌ها: «بررسی سفر قهرمانی شخصیت در بوف کور با تکیه بر کهن الگوهای بیداری قهرمان درون» (۱۳۹۲) که از منظر نقد کهن الگویی یونگ، کمپبل و پیرسون در نظریات خود به آن اشاراتی داشته‌اند. این چنین بررسی‌ها؛ به نقد روان کاوانه داستان‌های روایی پرداخته و از الگوی یونگ و کمپبل دور شده‌اند.

«تبیین کهن الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمپبل در هفت خوان رستم» (۱۳۹۲) «سفر کهن الگویی قهرمان در سووشون» (۱۳۹۸) «بررسی و نقد داستان بیژن و منیژه براساس کهن الگوی سفر قهرمان کمپبل» (۱۳۹۷) / «نقد کهن الگویی سفر قهرمان در ماهی سیاه کوچولو براساس نظریه کمپبل و پیرسون» (۱۳۹۸) / «تحلیل کهن الگوی سفر قهرمان در داراب نامه طرسوسی براساس الگوی جوزف کمپبل» (۱۳۹۵)، می‌توان اشاره کرد. البته یادآوری این نکته لازم است که در تمام پژوهش‌های یادشده سیر تحول شخصیت تنها در یک اثر، بررسی شده و هیچ‌یک این نظریه را به صورت تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار نداده‌اند.

با توجه به اهمیت و ضرورت نظریه کمپبل (سیر تحول شخصیت قهرمان در افسانه‌ها) برخی محققان غربی را بر آن داشت تا پژوهش‌هایی به صورت تمثیلی در این راستا انجام دهند که ذکر آن‌ها درک عمیق‌تری از موضوع تحقیق را بر ذهن خواننده مترتب می‌گرداند.

یکی از تازه‌ترین تحقیقات مربوط به دانیلا لندر^۱ (۲۰۲۲) است که در چارچوب یک کارگاه آموزشی یک هفته‌ای به بررسی پدیده‌های تحول شخصیت سفر قهرمان پرداخت. برآیند این تحقیق، ایجاد یک چارچوب نظری برای معنا بخشیدن به تحول شخصیت قهرمان در طول سفر بود. این پژوهش براساس نظریه کمپبل مراحل مختلف سیر تحول شخصیت قهرمان را در شماری از دانشجویان بررسی کرده و نشان داد که تجربیات قهرمان در طول سفر برای افراد در زندگی کنونی قابل تجربه است. پژوهش دیگری که برپایه انگاره کمپبل و چارچوب تحقیقی سیر تحول شخصیت قهرمان آن انجام شد، مربوط به دیرکس^۲ (۱۹۹۸) بود. نتایج بررسی نشان داد که شرکت کنندگان در این تحقیق (با شناخت قبلی

1. Daniela Lehner

2. Dirx

از مراحل سیر تحول شخصیت) قادر بودند پیچیدگی‌های ناخودآگاه خود را کشف کرده و به نیازها و ویژگی‌های جدید خود آگاهی یافته که نه تنها به شناخت عمیقی از خود دست یافته بلکه باعث شناخت دیگر انسان‌ها (به صورت جمعی) برسند.

در سال ۲۰۱۷ پژوهشگری به نام یوگیا کارتا^۱ با مبنا قرار دادن نظریه کمپیل به بررسی شخصیت بنیادین داستان (جنیفر) در فیلم «تف به گورت» پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که سیر تحول شخصیت قهرمان فیلم منطبق و سازگار با نظریه تحول شخصیت کمپیل بود اما شخصیت قهرمان فیلم تنها قادر بود دو مرحله از مراحل سه گانه تحول شخصیت را تجربه کند.

افزون بر محققان یادشده، پژوهشگران دیگری همانند دیرکس (۲۰۰۶)، فورمنتی و وست^۲ (۲۰۱۸)، بوید و مایرز^۳ (۱۹۹۸)، فریلر^۴ (۲۰۰۸) و کلارک^۵ (۲۰۱۲) بر روی موضوعات مختلف با استفاده از نظریه جوزف کمپیل کار کرده‌اند که همگی مبین تطابق نظریه کمپیل و شخصیت بنیادین تحقیق‌های یادشده است.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

هدف؛ تبیین تجانس و تباین‌های ساختار کهن‌الگویی سفر قهرمان و تحول شخصیت وی در امتداد این سفر است. از این منظر دو افسانه؛ یکی ایرانی و نمونه‌ای از افسانه‌های مغرب زمین را طبق نظریه سفر قهرمانی کمپیل، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهیم. نوشتار، رویکردی تطبیقی دارد. هنگامه بررسی پیوندهای متقابل دو اثر، نشانه‌هایی از مراحل سه گانه سفر کمپیل را نمایان خواهیم ساخت؛ همچنین بازگویی نشانه‌های قهرمانی در این دو اثر و قابل انطباق بودن با ساختار مراحل تحول شخصیت قهرمان از دید کمپیل، بازگو خواهد شد. براساس نتیجه به دست آمده، محرز می‌گردد که ساختار سیر تحول شخصیت قهرمان با عبور از سه مرحله سفر، در هر دو اثر، خود در قالبی تازه و نو، با وجود تفاوت‌ها و شباهت‌ها تکرار می‌شود.

بررسی ویژگی‌ها و صفات کهن‌الگوی یادشده با روش توصیفی - تحلیلی از دید نقد کهن‌الگویی، نمایان می‌شود. واکاوی و پژوهش در دو داستان، بر پایه نظریه اسطوره‌گرا و کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپیل بوده و با توجه به اینکه تاکنون افسانه‌های ملل گوناگون از دیدی تطبیقی و از منظر این گونه نقد روان‌شناختی بررسی نشده؛ می‌توان گفت تحلیل حاضر، در نوع خود بکر و دسته اول است.

1. Yogyakarta
2. Formenti & West
3. Boyd & Myers
4. Freiler
5. Clark

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مفاهیم و کلیات در شیوه نقد روان‌شناختی

نمادها و پارادایم‌های موجود در افسانه‌ها، ریشه در فرهنگ و زبان مردم جامعه دارند و آن‌ها نمودی از ذهن جامعه هستند؛ چنان‌که آثار ادبی هر ملت، تجلی گاه بی‌بدیل این نمادها و اساطیر است. «اسطوره سفر قهرمان» نیز یکی از این الگوهای کهن است که در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر وجود دارد. از دیدگاه یونگ ناخودآگاه جمعی پر از خاطرات نژادی است که مانند نیرویی نامرئی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تمام دانش‌های زندگانی آدمی را از آغاز تاکنون، دربر می‌گیرد.

به راستی آگاهی یافتن نسبت به مطالب رمزی و شخصیت‌های نمادین و همچنین موتیف‌ها، یک راهبرد تجزیه و تحلیلی مناسب در نقد ادبی به حساب آمده که بررسی و شناخت آن‌ها، درک و دانش ادبی ما را نسبت به فرآیند تحلیل زیبا شناسانه آثار هنری دوچندان می‌کند. شخصیت‌های رمزی در اغلب داستان‌ها از باورهای مسلط در هر اثر ادبی به حساب می‌آید که ممکن است دربرگیرنده شخصیت، عقیده، درون‌مایه مکرر، تصویر و الگوی زبانی تکرارشونده باشد که در دو شکل خودآگاه و ناخودآگاه ذهن بشر تجلی می‌یابد.

«اسطوره‌ها و افسانه‌ها یکی از انواع شناخته‌شده تجلی صور مثالی قلمداد می‌شوند. از آنجا که یونگ نیز اسطوره‌محور^۱ است و با نمادها بیش از نشانه‌های زبان‌شناسی سروکار دارد، به رویکردهای اسطوره‌پژوهی و روان‌شناختی افسانه‌ها توجه ویژه دارد. در روان‌شناسی او، ناخودآگاهی گذشته از لایه فردی، لایه‌های ژرف‌تری از روان را نیز در برمی‌گیرد که وی آن‌ها را فصل مشترک و میراث روانی همه افراد بشر می‌داند. یونگ زبان این روان‌آغازین را در ساختار امروزی ذهن بازشناسی می‌کند و به قالب‌ها و انگاره‌هایی می‌رسد که به گفته او اندام‌های روان‌پیش از تاریخ ما هستند» (یاوری، ۱۳۸۶: ۴۶).

یونگ با آنکه بر دیدگاه فروید مبنی بر وجود ضمیر ناخودآگاه صحنه می‌گذارد، قائل به گونه‌ای دیگر از ضمیر ناخودآگاه نیز هست که دیگر نه مبین اندیشه‌ها و آرزوهای ناکام و ترس‌های فردی، بلکه گنجینه گرایش‌ها و اندیشه‌هایی است که در نزد همه انسان‌ها مشترک هستند.

وی آن‌ها را سوئیۀ آشکار کهن‌الگوهای ناآشکار می‌داند و رؤیاهای عمیق و آفرینش‌های ادبی و هنری را زمینه تجلی و بازیافتن آن‌ها به شمار می‌آورد. از این رو، حجم گسترده‌ای از آفرینش‌های هنری و افسانه‌ها از ناخودآگاه جمعی بشر حکایت دارند. سخنان یونگ درباره نماد، آرکی‌تایپ و ناخودآگاه جمعی نیز این

مطلب را تأیید می‌کند که رمز، نماینده یک مضمون ناشناخته است و وجود و پیدایی آن بستگی به روان، به‌ویژه بخش ناآگاه آن دارد که مکان تجربه‌های فراموش شده است (پور نامداریان، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

یونگ در کتاب چهار صورت مثالی، به وجود لایه‌ای ژرف‌تر در وراء ناخودآگاه شخصی قائل است که نه فرد خود آن را کسب می‌کند و نه دستاورد تجربه‌های شخصی است. وی این لایه عمیق‌تر را «ناخودآگاه جمعی» می‌نامد که به ناخودآگاه فردی تعلق ندارد و از خصیصه همگانی بودن برخوردار است که برخلاف روان شخصی از محتویات یا رفتارهایی سرچشمه می‌گیرد و کم‌وبیش در همه جا و نزد همه کس یکسان است؛ به عبارت دیگر، در همه افراد یکی است و از این رو، زمینه روانی مشترکی را تشکیل می‌دهد که ماهیت فوق فردی دارد و در همه انسان‌ها نیز وجود دارد (یونگ، ۱۳۹۰: ۱۲).

بخشی از ضمیر ناخودآگاه انسان، مربوط به دوره‌ای از زندگی بشر می‌شود که انسان به‌طور خاص در آن نقشی نداشته و مربوط به دوران پیشین و باستانی تمدن انسان است؛ به عبارت دیگر، هر ملتی جدای از ضمیر ناخودآگاه فردی، ضمیر ناخودآگاه جمعی (حافظه تاریخی) نیز دارد که در این حافظه تاریخی برای هر قوم، مسائلی برای آزار یا لذت ملی وجود دارد (یونگ، ۱۳۷۷: ۱۸).

ظهور ناخودآگاه جمعی از طریق دو جنبه اصلی آن یعنی غرایز و الگوهای باستانی ممکن می‌شود (اسنودن، ۱۳۸۷: ۸۰). از آغازی‌ترین گزینه‌های حیاتی موجودات تا والاترین گرایش‌ها باطنی انسان در ناخودآگاه جمعی جای گرفته است. برجسته‌ترین ویژگی ناخودآگاه جمعی، وجود گنجینه‌ای از نمادها و نگاره‌هایی است که یونگ آن را آرکی تایپ می‌نامد.

۲-۱-۱. آرکی تایپ

برابر با تحقیق حاضر؛ شالوده اصلی نقد اسطوره‌شناختی را بحث کهن‌الگو تشکیل می‌دهد. کهن‌الگو یا صور نوعی اصطلاحی است که یونگ برای بخشی از محتویات روان انسان به کار برده است. کهن‌الگو عبارت است از «همه مظاهر و تجلیات نمونه‌وار و عام روان آدمی ناخودآگاهی جمعی که از مجموع صور نوعی فراهم آمده، ته‌نشین همه تجارب زندگانی بشر از آغاز تاکنون است» (ستاری، ۱۳۶۶: ۴۳۹).

آرکی تایپ که به الگوهای باستانی، کهن‌الگو، انواع کهن، صور نوعی، سرنمون و برابری آن ترجمه شده است، قسم فراوانی از عناصر سازنده ناخودآگاه جمعی است. الگوهایی که از گاه تولد در تمام انسان‌ها وجود دارد و همچون نیرویی سحرآمیز در سطح عمیق ناخودآگاه قرار دارد: «آن‌ها طنین رویدادهای ماقبل تاریخ‌اند که هر قرن و زمانه به آن‌ها تنوع و تفاوت بسیار ناچیزی می‌افزاید. سرنمون‌ها ذهن نیاکانمان را، نحوه اندیشیدن، حس کردن و تجربه اندوختن از زندگی آن‌ها را برای انسان معاصر به ارمان

می آورند. ما برحسب سال‌ها می‌اندیشیم، حال آنکه ضمیر ناآگاه برحسب هزاران سال می‌اندیشد و زندگی می‌کند» (مورنو ۱۳۸۰: ۲۹،۳۰).

کهن‌الگوها طرح کلی رفتار بشر هستند؛ که منشأ آن‌ها ناخودآگاه جمعی فرد است. آرکی‌تایپ، محتویات ناخودآگاه جمعی است که خود را در رؤیاهای، توهمات، هنر و ادبیات نشان می‌دهد و در ژرف‌ترین لایه روان آدمی موجود هستند. آن‌ها ناخودآگاه جمعی ما را می‌رسانند و ناخودآگاه جمعی اساس روان فرد است. کهن‌الگو به معنی مدل یا الگویی است که چیزی را از آن می‌سازند.

یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) این اصطلاح را وارد علم روان‌شناسی کرد. به نظر او ذهن بشر به هنگام زایش همچون لوح سپیدی نیست، بلکه آموخته‌هایی که از چرخه‌های نخستین زندگی بشر به ارث رسیده در ضمیر ناخودآگاه جمعی و مشترک انسان‌ها وجود دارد. این گرایش‌های کهن فکری و الگوهای کهن رفتاری در همه انسان‌ها همانند هستند. ذهن خودآگاه این گرایش‌ها و الگوها را به صورت تصویر، نماد و سمبل درک می‌کند.

کهن‌الگوها ظرفیت‌هایی موروثی هستند. آن‌ها نگاره‌های ادراکی از پیش موجودی هستند؛ به این معنی که پیش از آنکه شخصی به آن‌ها آگاهی داشته باشد، موجود بوده‌اند. «کهن‌الگوها صورتی ازلی و مشترک را که در ناخودآگاهی جمعی همه نوع بشر موجود است، مطرح کرده‌اند. هنگام خواندن این کهن‌الگوها، چند هزارسالگی در ما متبلور و آوای هزاره‌ها در ما طنین‌انداز می‌شود» (شایگان فر، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

عموماً آثار برتر دارای کهن‌الگوهای بیشتر و دارای روح پرواز تخیلی است زیرا کهن‌الگو به ناخودآگاه متعلق است. یونگ ثابت می‌کند وقتی موقعیتی کهن‌الگویی پدید می‌آید ناگهان یک حس فوق‌العاده‌رهایی یافتگی به ما دست می‌دهد. در چنین لحظاتی ما دیگر فرد به شمار نمی‌آیم بلکه نژادیم (روتون، ۱۳۸۱: ۳۱). به همین دلیل کهن‌الگوها خاص یک منطقه یک فرهنگ یا کشور خاص نیست بلکه مفاهیمی جهانی است و هرگز به دلیل سنت‌ها و مهاجرت‌های خاص منتشر نشده است بلکه ممکن است در هر زمان و مکان بدون هیچ نفوذ خارجی خود تجلی کند (یونگ، ۱۳۶۸: ۲۲).

یکی از کهن‌الگوهای برجسته، قهرمان و سفر نمادین او است که سایر کهن‌الگوهای روان‌شناختی از جمله آنیما، پیر خردمند، سایه و... با او و در جریان تکامل شخصیت وی نمود می‌یابند. بی‌شک قهرمان^۱ از پرآوازه‌ترین و ملموس‌ترین صور مثالی است که بیشتر از دیگر صورت‌های مثالی و در همه‌جا دیده می‌شود. مؤلفه «سفر قهرمان» یکی از مأنوس‌ترین تحلیل‌های ادبی در حوزه نقد اسطوره‌ای داستان‌های کهن است

که بر پایه نقد اسطوره‌ای در این دوره شکل گرفته، به عنوان یکی از اجزای جدایی ناپذیر داستان‌های اساطیری کهن، نقش بسزایی در شکل‌گیری سیر داستانی داشت. شخصیت قهرمان در این گونه داستان‌ها «صورتی از تبلور ذهن قومی است که نمی‌تواند صرفاً برآمده از یک سنت خود به خودی باشد؛ بنابراین ضرورت‌های تکامل ذهن آن قوم، در دوره‌های ویژه‌ای، با پرداخت معین از یک داستان حول شخصیت معین می‌گراید» (مختاری، ۱۳۸۰: ۵۴).

در این راه منتقدان زیادی، از زوایای گوناگون نظریات ناهمسانی را جهت بررسی سیر دگردیسی‌های قهرمان اسطوره‌ای در رهسپاری او، از نقطه آغاز تا نقطه اوج و برعکس را ارائه دادند. جوزف کمپیل (۱۹۸۷-۱۹۰۴ م) با پژوهش بر روی شخصیت قهرمان داستان‌های ملل ناهمگون، به این نکته دست یافت که این اساطیر با وجود دوگانگی‌های اندکی، همانندی‌های ساختاری بسیاری در شکل روایت داستان‌ها با یکدیگر دارند. به سخن دیگر، در هر داستان، کهن‌الگویی از سفر قهرمان وجود دارد که «نمونه‌های انعطاف‌پذیر و قابل انطباق است و می‌تواند اشکال و زنجیره‌های بی‌نهایت متنوعی از مراحل را در خود جای دهد به عبارت دیگر، بسته به نیاز هر داستان، می‌توان مراحل سفر را حذف یا تکرار یا جابجا کرد» (ویتیل، ۱۳۹۰: ۹). کمپیل این دگردیسی و پویایی را که در همه اسطوره‌ها، افسانه‌های عامیانه ملل ناهمگون به یک‌شکل تکرار می‌شد، الگوی سفر قهرمان نامید.

بر پایه این الگو، جریان روند رشد فعالیت شخصیت بنیادین داستان (دستیابی قهرمان در طی سفر خود به کمال و فردیت) به شیوه یک طرح کلی جهان‌شمول و به مانند دستور زبان واحدی در تمام تاریخ بشری در حال تکرار است که در آن قهرمان با یک سیر دایره‌وار پس از ترک دنیای عادی خود و طی مراحل آزمون دشوار، دوباره به دنیای عادی خود برمی‌گردد.

قهرمان از قدیمی‌ترین کهن‌الگوهایی است که همواره از مباحث اصلی کهن‌الگوها بوده است. سایر کهن‌الگوها از جمله پیر دانا، یاری‌دهنده، سایه و غیره در ارتباط با قهرمان معنا می‌یابند. واژه قهرمان در زبان یونانی به معنای محافظت کردن و خدمت کردن است. قهرمان یعنی کسی که آماده است نیازهای خود را فدای دیگران کند؛ بنابراین مفهوم قهرمان در اساس مرتبط با مفهوم ایثار است (ووگلر، ۱۳۸۷: ۵۹).

قهرمان یکی از کهن‌الگوهای شخصیتی یونگ نیز هست. قهرمان در نقش یک منجی و فدایی ظاهر می‌شود و معمولاً سفری طولانی را آغاز می‌کند که طی آن باید وظایف سنگینی را به انجام برساند. وی [قهرمان] یک سلسله ریاضت‌ها، رنج‌ها و شکنجه‌ها را تحمل می‌کند تا از مرحله خامی و بی‌خبری به مرحله بلوغ و کمال دست یابد (گرین و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۹). «جوزف کمپیل، با رویکردی اسطوره‌ای مبتنی بر

آراء یونگ، به اسطوره قهرمان جست و جوگر همچون تک اسطوره‌ای همه سویه می‌نگرد» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۴۰۳)

کمپبل، سفر درونی انسان را در قالب قهرمانان اساطیری طرح کرده و نشان داد که کهن‌الگوی سفر در افسانه‌های جهان، در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، خود را در قالبی نو تکرار می‌کند تا انسان را به سوی سفری درونی و شناخت نفس، رهنمون شود. او نشان می‌دهد که اسطوره‌ها و روایت‌های عامیانه ملل گوناگون، پیرنگی واحد دارند. «سفر اسطوره‌ای قهرمان معمولاً تکریم و تکرار الگویی است که در مراسم گذار به آن اشاره شده است: «جدایی، تشریف، بازگشت» که می‌توان آن را هسته اسطوره‌ی یگانه نامید» (کمپبل، ۱۳۸۹: ۴۰).

یگانگی و همانندی افراد بشر تنها در بعد زیست‌شناختی نیست و فرهنگ‌ها و باورها را نیز دربر می‌گیرد (حسن زاده، ۱۳۸۵: ۴۵۰، ۴۶۶). کمپبل در این تحلیل و واکاوی‌ها در زمینه اسطوره‌ها و افسانه‌ها به الگوی واحد و کارآمد در شناخت هرچه بیشتر آن‌ها دست یافت. در کتاب قهرمان هزارچهره^۱، به بررسی سیر تحول قهرمان پرداخته است. این سیر تحول و سفر قهرمان^۲ را در سه مرحله اصلی می‌توان شناخت که وی آن را هسته اسطوره‌ی یگانه می‌نامد و آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. عزیمت^۳ یا جدایی^۴: شامل: ۱. دعوت به آغاز سفر ۲. امداد غیبی ۳. عبور از نخستین آستان ۴. شکم‌نهنگ.

۲. تشریف^۵ یا آغاز: با پیشامدهای گوناگون قهرمان در هنگام رهسپاری مربوط است (شامل: ۱. جاده آزمون ۲. ملاقات با خدا بانو ۳. زن در نقش وسوسه‌گر ۴. آشتی و هماهنگی با پدر ۵. خدایگان ۶. برکت نهایی).

۳. بازگشت^۶: بازگشت قهرمان به سوی مردم همراه با کسب قدرت، دانش و پیروزی است (شامل: ۱. امتناع از بازگشت ۲. فرار جادویی ۳. دست نجات از خارج ۴. عبور از آستان بازگشت ۵. ارباب دوجهان ۶. رها و آزاد در زندگی).

به راستی، کمپبل در الگویی که برای سفر قهرمان ارائه می‌دهد، به بررسی یک سیر ماجراجویانه اسطوره‌ای می‌پردازد که در آیین گذار^۷ تحقق می‌یابد؛ بدین سان که قهرمان از زندگی روزمره دست

1. The Hero With Thousand Faces
2. The Heros Journey
3. departure
4. separation
5. The Initiation
6. The Return
7. Rites of passage

می‌کشد و سفری به قلمرو شگفتی‌های ماوراءطبیعه آغاز می‌کند. در آنجا با نیرویی شگفت‌روبه‌رو می‌شود و به پیروزی قطعی دست می‌یابد. «یک قهرمان از زندگی روزمره دست می‌کشد و سفری مخاطره‌آمیز به حیطه شگفتی‌های ماوراءطبیعه را آغاز می‌کند؛ با نیروهای شگفت در آنجا روبه‌رو می‌شود و به پیروزی قطعی دست می‌یابد. هنگام بازگشت از این سفر پر رمز و راز، قهرمان نیروی آن را دارد که به یارانش برکت و فضل نازل کند» (کمپبل، ۱۳۸۹: ۴۰).

با توجه به این مطلب که قهرمانان در طی سفر کمال‌گرای خود از منابعی غیر معمولی یاری می‌طلبند، می‌توان گفت این کهن‌الگوها هستند که در هر دوره‌ای از سفر قهرمانی ظاهر شده و نقش هدایتگر را بر عهده می‌گیرند «سفر معمولاً با یک یا همه کهن‌الگوهای مربوط به موقعیت ترکیب می‌گردد» (سخنوری، ۱۳۷۹: ۳۷). در هر دوره‌ای از زندگی یکی از کهن‌الگوها عنان فرمانروایی و مدیریت زندگی را در دست می‌گیرد. مسیر اسطوره‌ای زندگی هر شخصی منقسم به سه قسم می‌شود که هر کدام از این بخش‌ها می‌تواند از کهن‌الگوهای خاص خود یاری گیرند، مبرهن است که این کهن‌الگوها «می‌توانند در مراحل مختلف دگرگون شوند» (پیرسون و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۴۶).

در توضیح مرحله شکم‌نهنگ که زیرمجموعه مرحله عزیمت یا جدایی است ذکر این مهم لازم است: گاه اتفاق می‌افتد که قهرمان در عبور از آستانه، موفق نباشد و مرگ و پس از آن تولد دوباره را تجربه کند «گذر از آستانه جادویی مرحله انتقال انسان به سپهری دیگر است که در آن دوباره متولد می‌شود و این عقیده به صورت شکم‌نهنگ، به عنوان رحم جهان، نمادین شده است. در این نماد، قهرمان به جای آنکه بر نیروهای آستانه، پیروز شود و یا رضایت آن‌ها را جلب کند، توسط ناشناخته‌ها بلعیده می‌شود.» (کمپبل، ۱۳۹۲: ۹۶)

بلعیده شدن توسط نهنگ یا معادل‌های آن از جمله تاریکی یا اژدها بر این نکته تأکید دارد که «عبور از آستانه، نوعی فنای خویشتن است.» (کمپبل، ۱۳۹۲: ۹۸) از طرف دیگر نهنگ نماد «گنج پنهان و یا نماد نکبتی تهدیدگر است.» (شوالیه، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۸۶)

از دیگر روان‌شناسانی که به مقوله سفر قهرمان و شخصیت او پرداخته، پیرسون است. وی باورمند است که «مراحل سفر قهرمان، به گونه‌ای دقیق با مراحل رشد روانی انسان، هم‌تراز هستند. ابتدا خود را پرورش می‌دهیم؛ سپس با جان روبه‌رو می‌شویم و سرانجام یک خویشتن منحصر به فرد را به دنیا می‌آوریم. سفر خود به ما یاد می‌دهد چگونه در جهان ایمن و موفق باشیم؛ سفر جان به ما کمک می‌کند تا در نتیجه رویارویی با ژرف‌ترین اسرار زندگی واقعی و اصیل شویم و سفر خویشتن، راه را به ما نشان می‌دهد تا اصالت، قدرت و

آزادی‌مان را بیایم و ابراز کنیم.» (پیرسون، ۱۳۹۴: ۵۸)

واکاوی و تحقیق کمپیل اگرچه به ارائه الگوی واحد و یکسان برای قهرمان و شناخت آن در اسطوره‌ها و افسانه‌ها منجر شد اما قابلیت تعمیم به تاریخ حرکت، تلاش و پیشرفت تمدن بشری را نیز دارد. «حرکت تمدن و تاریخ بشری نیز با «سفر قهرمانی» کمپیل همسانی و برهم‌نمایی قابل قبولی دارد؛ به این معنا که. عزیمت و پیشرفت و برگشت تمدن انسانی، با این نظریه همخوانی دارد» (مایرز و کمپیل، ۱۹۹۱: ۴۴). «این حرکت در الگوی دایره و رفت و برگشت اتفاق خواهد افتاد» (کمپیل، ۲۰۰۸: ۱۲۷). «این چرخه گویی دارای ساختاری بنیادین و حاکم بر فرایند تمدن سازی جوامع بشری از این منظر است که سفر قهرمان را یکی از متداول‌ترین ریز نقش‌های اسطوره‌ای در قصه‌های عامیانه می‌دانند که بر طراحی نهایی تمدن و نظام ساختار اجتماعات بشری تأثیر عمیق داشته است» (کمپیل، ۲۰۰۴: ۴۳).

در مرحله عزیمت، کهن‌الگوهای معصوم، یتیم، جنگجو و حامی فعال می‌شوند تا شایستگی، شجاعت، انسانیت و وفاداری خود را ثابت کند و آماده سفر شود. در مرحله دوم، کهن‌الگوهای جستجوگر، عاشق، نابودگر و آفریننده فعال می‌شوند. این مرحله رویارویی با رنج، عشق و مرگ برای دگرگون کردن خویشتن آدمی است و معمولاً با یافتن گنج یا همان تولد خویشتن راستین همراه است. در سوم مرحله، کهن‌الگوهای حاکم، فرزانه و ساحر بایستی در روان آدمی پرورش یابد تا او بتواند به شناخت عمیق و درک درستی از واقعیت هستی برسد و کامل شود.

نخستین پیش‌نیازهای یک کردار قهرمانانه، فضیلت‌های شوالیه‌ای وفاداری، کف نفس و شجاعت است (کمپیل، ۱۳۹۲: ۲۳۳). وجه مشترک زندگی همه قهرمانان، کوشش برای جستن معنا و ارزشی در زندگی است که به جای تعادل، هیجانی در زندگی آنان ایجاد می‌کند. این هیجان، یکی از لوازم غیرقابل‌انکار بهداشت روان است؛ زیرا به گفته نیچه: اگر آدمی برای «چرای؟» ی زندگانی خود پاسخی داشته باشد، کم‌وبیش با هر «چگونه؟» ای می‌سازد (نیچه، ۱۳۸۷: ۲۳).

بدین ترتیب، هم تحمل دشواری و رنج زندگی برای او دارای معنا خواهد بود و هم درد و رنج، او را به سوی معنای زندگی سوق خواهد داد. به نظر می‌رسد، «هر فرد باید معنا و رسالت زندگی خود را در هر لحظه معین و معلوم دریابد. گویی، هر فرد وظیفه و رسالتی دارد که باید انجام دهد. او در این وظیفه و رسالت جانشینی ندارد و زندگی نیز قابل برگشت نیست. وظیفه هر فرد یکتاست و فرصت وی نیز برای انجام آن یکتاست» (فرانکل، ۱۳۶۷: ۷۱). «تنها در گذر از بحران‌های زندگی، تنهایی و انزوای همراه با یأس و نوامیدی است که آدمی می‌تواند به حیاتی خلاق و مسئولانه دست یابد و به فردیت و خودآگاهی واقعی

برسد» (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۶۸).

قهرمان باید ترس از مرگ، رنج و از دست دادن را رها سازد تا بتواند تمامیت زندگی را تجربه کند و با تکیه بر امکانات منحصر به فرد خود برای تجربه کردن، به چیزی تبدیل شود که هرگز دیگران تجربه نکرده‌اند. غلبه بر ترس از مرگ، به دست آوردن لذت زندگی است. ما فقط زمانی می‌توانیم تأیید نامشروط زندگی را تجربه کنیم که مرگ را به منزلهٔ وجهی از زندگی درک کنیم. زندگی در فرآیند شدن خود، همواره در آستانه‌ی مرگ قرار دارد. مغلوب کردن این ترس، شهادت زندگی را به ارمغان می‌آورد. نکتهٔ اصلی همهٔ داستان‌های قهرمانی همین است: نترسیدن و به هدف رسیدن (کمپبل، ۱۳۹۲: ۲۳۰).

قهرمان، تنها در رویارویی با ازدهای درون و مواجهه با رنج می‌تواند، گنج جان را به دست آورد و قدرت خود را پس بگیرد. کهن‌الگوی ویرانگر که با مرگ هم پیمان است و محور دگردیسی قهرمان به شمار می‌آید، بسیاری از ضروریات زندگی قهرمان را از او می‌گیرد و به او می‌آموزد که با دل‌کندن از وابستگی‌ها، برای پذیرش نوآماده شود. تجربه‌ی آغازگری ممکن است با هشجاری ناگهانی نسبت به فناپذیری اتفاق بیفتد که سبب بروز احساس ناتوانی یا پوچی در زندگی شود (پیرسون، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

در پایان سفر، قهرمان باید با رهاورد این سفر به جهان بازگردد. رسالت او در بازگشت، ایجاد تحول در زندگی است. در موارد بسیاری قهرمانان از بازگشت و انجام رسالت خویش، سرباز زده‌اند؛ شاید بدان سبب که در قابل انتقال بودن پیام به دیگران تردید کرده‌اند. قهرمانی که برای تکمیل سلوک خویش بازمی‌گردد، ارباب دوجهان خواهد شد. هنر او آزادی عبور و مرور در دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه است؛ آن هم به طوری که قواعد هیچ‌یک از این دو سو، به دیگری آلوده نشود؛ ولی در عین حال ذهن بتواند یکی را از دریچه‌ی دیگری بنگرد (کمپبل، ۱۳۹۲: ۲۳۷). فرگشت و تکامل به‌راستی، حاصل گذشتن از مراحل چنین سفری است؛ گذری سازنده برای باروری مجدد توانایی‌های بالقوهٔ انسانی.

درست است که در تشریح اسطوره‌ها و افسانه‌های هر قوم باید مجموعهٔ فرهنگ، نظام ارزشی و مناسبات حاکم بر آن توده را در نظر بگیریم، به هر روی، هراندازه لایه‌های سطحی، ویژگی‌های محیطی و بومی سازی را از اساطیر و افسانه‌ها بزدایم، سرانجام به پیکره‌ای تنومند و یگانه می‌رسیم که در بیشتر کشورها مشترک است و همگی را به یک مبدأ وصل می‌کند. جوزف کمپبل در اثر خود به نام قدرت اسطوره، الگویی معین را برای قهرمان اسطوره‌ای بیان می‌کند «حتی شاید بتوان گفت در یک قهرمان اسطوره‌ای کهن‌الگویی وجود دارد که زندگی او در سرزمین‌های گوناگون، توسط گروه‌های کثیری از مردم نسخه‌برداری شده است» (کمپبل، ۱۳۸۰: ۲۰۶). در ملل غرب، محک و سنجش بسیاری از متون ادبی بر پایهٔ نظریات و

دیدگاه‌های این مکتب تحلیل و بررسی می‌شوند.

۲-۲. گزارش دو افسانه

۲-۲-۱. افسانه خواهر و برادر (از افسانه‌های مغرب‌زمین)

افسانه خواهر و برادری که پس از مرگ مادرشان؛ پدر آن‌ها برخلاف خواست فرزندان خود با زنی جادوگر ازدواج می‌کند. نامادری شروع به آزار و اذیت این دو می‌کند و قصد دارد از دست این دو خلاصی یابد. بچه‌ها دیگر تاب نیاوردند و با همفکری همدیگر برای نجات جان خود از خانه فرار کردند. از خانه جدا شدند و به جنگلی سیاه و مرموز رهسپار شدند. نامادری جادوگر از این تصمیم آگاه شد و آن‌ها را تا جنگل دنبال کرد. زمانی که پسرک از فرط تشنگی خواست تا کمی آب بخورد، دختر متوجه حضور نامادری شد و او را از خوردن آب منصرف می‌کرد اما آب هر بار به صدا درمی‌آمد و او را تشویق به خوردن می‌کرد. نامادری رودخانه‌ها را جادو کرده بود و هر بار آب رودخانه‌ها به پسر می‌گفت که با خوردن من؛ بیر، گرگ و... می‌شوی. هر بار دختر او را از این وسوسه نجات می‌داد تا اینکه به رودی دیگر رسیدند و پسرک دیگر تاب نیاورد. دختر هرچقدر التماس کرد اما برادر از آن آب جادویی نوشید و به آهویی تبدیل شد. نامادری از فریب پسرک خوشحال شد و فریادی بلند کشید. آن دو متوجه حضور نامادری جادوگر شدند و به جنگل فرار کردند.

دختر در فکر باطل کردن جادوی او بود ولی متأسفانه نتوانست. از این روی گردنبند طلای خود را به گردن او آویخت. قرار شد که هیچ‌وقت همدیگر را تنها نگذارند. آن دو در کلبه‌ای داخل جنگل ساکن شدند. سال‌ها دختر از میوه‌های جنگل و علوفه‌های تازه برای برادر خود که حالا به آهویی تبدیل شده بود، می‌آورد و او را تغذیه می‌کرد. یک روز آهو صدای طبل و فریاد شیپورهایی را می‌شنید که از جنگل به گوش می‌رسید. هرچند که خواهر او را از رفتن منع می‌کرد ولی نهایتاً پسر نزدیک آن‌ها شد. پادشاهی بود با افرادی که برای شکار آمده بودند. در این جریان، آهو زخمی شد و خواهرش در حال مداوای او بود. پادشاه به دنبال اینکه آهو با گردنبندی از طلا در جنگل چه می‌خواهد او را تعقیب کرد و در نهایت خواهر او را پیدا کرد.

دختر تمام داستان را برای پادشاه تعریف کرد و پادشاه آندو را با خود به قصر برد. جریان به گوش نامادری رسید و نامادری خود را در قالب و هیئت زنی زیباروی به قصر پادشاه رساند و به او نزدیک شد. دختر با پسر شاه ازدواج کرد و بچه‌ی زیبارویی از آن دو متولد شد. نامادری در فکر کشتن او بود. نامادری جادوگر حالا در قصر پادشاه در نقش خدمت‌کار، آن قدر خوش خدمتی کرد که به آن‌ها نزدیک شد و

نقشه قتل ملکه را کشید و او را کشت، خود در بستر او خوابید. ملکه به صورت معجزه‌آسایی زنده شد و داستان را برای پادشاه بازگو کرد. پادشاه تمام تلاش خود را کرد و زن جادوگر را در آتش سوزاند و سحر و جادوهایش را از بین برد. ملکه (خواهر آن پسری که به آهو تبدیل شده) به طرف برادرش رفت و او را نوازش کرد، پس طلسم برادر شکسته شد و در قالب اولیۀ خود (انسان) درآمد (حین کارودت، ۱۳۷۵: ۳۳-۴۰).

۲-۲-۲. افسانه آهویچه (از افسانه‌های ایرانی)

خواهر و برادری بودند که با پدر و نامادری خود زندگی می‌کردند. نامادری آن‌قدر آن‌ها را آزار و اذیت کرد تا اینکه آن دو فرار کردند. در راه برادر کوچک‌تر از آب چشمه‌ای که از آن آهوان بود؛ آب خورد و به آهویچه تبدیل شد. در جنگلی خواهر بالای درخت رفت و برادر که آهویچه‌ای شده، در پایین درخت ماند. آهو درخت را می‌لیسد، درخت بزرگ و بزرگ‌تر می‌شد. مرد جوانی که از آن حوالی می‌گذشت، خواست دختر را نجات دهد؛ اما دختر حرف او را باور نکرد. مرد جوان خواست تنه درخت را ببرد ولی تا شب توانست نیمی از تنه را ببرد. فردای آن روز که برگشت دید تنه درخت سالم و بزرگ‌تر شد. هر بار که این کار را کرد، آهو درخت را می‌لیسد و درخت سالم و بزرگ‌تر می‌شد. مرد جوان باتدبیر متوجه این راز شد (سالم شدن درخت بریده‌شده و راز آن دختر و آهویچه). آندو را به خانه برد و با دختر ازدواج کرد. دختر کولی، آن دختر را در خزینه انداخت، خود را جای او زده پیش آن مرد جوان رفت. مرد جوان با زیرکی و باهوشی و بایی تابی‌هایی که از آهویچه دید، زن خود را در خزینه حمام پیدا کرد؛ و این در حالی بود که بچه‌های دوقلوی خود را در خزینه حمام به دنیا آورده بود. آن زن کولی را در دیگ آب جوش انداخت و نابود کرد (آسمند و خسروی، ۱۳۷۷: ۱۸-۲۰).

۲-۳. نقد و تحلیل دو افسانه بر پایه نظریه کمپیل و برآیندهای تحلیلی در نقد روان‌شناختی آن دو

جدول ۱-۱. مراحل سفر افسانه خواهر و برادر در مرحله عزیمت

مراحل سفر	سفر افسانه خواهر و برادر
جاده آزمون‌ها	رهسپاری به جنگل پرخطر.
زن در نقش وسوسه‌گر	توطئه‌های نامادری برای کشتن آن خواهر و برادر.
برکت نهایی	الهام شدن به خواهر از اینکه برادر از آب رودخانه نوشد.

جدول ۱-۲. مراحل سفر افسانه خواهر و برادر در مرحله آیین تشرّف

مراحل سفر	سفر افسانه خواهر و برادر.
دعوت به آغاز سفر	در پی آزار و اذیت نامادری خواهر تصمیم به فرار با برادر خود را می‌گیرد.
عبور از نخستین آستان	رهسپاری به جنگل و سکنی گزیدن در خانه‌ای در دل جنگل.
شکم نهنگ	درک و پذیرش بی‌اعتبار بودن و نماندن در خانه پدری و فرار به سوی جنگل.

جدول ۱-۳. مراحل سفر افسانه خواهر و برادر در مرحله بازگشت

مراحل سفر	سفر افسانه خواهر و برادر
فرار جادویی	دست امداد غیبی که باعث شد دختر به طور معجزه آسایی پس از کشته شدن؛ دوباره زنده شد.
دست نجات از خارج	پادشاهی که با سپاهیان خود برای شکار به جنگل آمده بودند و آندو را نجات داد.
عبور از آستان بازگشت	عزیمت همراه با پادشاه و قبول دعوت وی جهت رفتن به قصر او.
ارباب دوجهان	اعتماد دختر و به قصر پادشاه رفتن.
آزاد و رها در زندگی	ازدواج با پسر پادشاه.

جدول ۱-۲. مراحل سفر افسانه آهویچه در مرحله عزیمت

مراحل سفر	سفر افسانه آهویچه
جاده آزمون‌ها	رهسپاری به جنگل پرخطر.
زن در نقش وسوسه گر	توطئه‌های نامادری برای کشتن خواهر و برادر.
برکت نهایی	الهام شدن به خواهر از اینکه برادر از آب رودخانه نوشد.

جدول ۲-۲. مراحل سفر افسانه آهویچه در مرحله آیین تشرف

مراحل سفر	سفر افسانه آهویچه
دعوت به آغاز سفر	در پی آزار و اذیت نامادری خواهر تصمیم به فرار با برادر خود را می‌گیرد.
عبور از نخستین آستان	رفتن به جنگل و سپس نجات یافتن از خطرات به دست مرد رهگذر.
شکم نهنگ	درک و پذیرش بی‌اعتبار بودن و نماندن در خانه پدری نیز فرار به سوی جنگل.

جدول ۲-۳. مراحل سفر افسانه آهویچه در مرحله بازگشت

مراحل سفر	سفر افسانه آهویچه
فرار جادویی	دست امداد غیبی، به طور معجزه آسایی دختر را پس از اسیر شدن در خزینه قصر دوباره توسط پادشاه آزاد می‌کند.
دست نجات از خارج	آن مرد جوان که از جنگل می‌گذشت.
عبور از آستان بازگشت	عزیمت همراه با مرد جوان و قبول دعوت وی جهت رفتن به قصر او.
ارباب دوجهان	اعتماد دختر و به دنبال مرد جوان رفتن.
آزاد و رها در زندگی	ازدواج با مرد جوان.

بررسی افسانه‌ها، این آگاهی را به ما می‌دهد که شمار فراوانی از این قصه‌ها و افسانه‌ها، بن‌مایه‌ها و ساختاری یکسان از نظر پردازش دارند؛ حضور یک راوی یا دانای کل که افسانه را نقل می‌کند از بنیادی‌ترین ارکان این گونه ادبی است. زمان و مکان، اگرچه دوردست و در اکثر اوقات خیالی است اما دسترسی به آن، چنان آسان است که گویی صحنه مورد نقل، دقیقاً در حضور مخاطب شکل گرفته. دستاورد نخست تحقیق حاضر نشان داد که، با بهره‌گیری از توانایی‌های کهن‌الگوها و ارائه شواهد عینی در ادبیات تطبیقی؛ می‌توان گذشته از بعد زمان و مکان، بر میراث مشترک فرهنگی، ادبی و قومی بشر صحنه گذارد. این دستاورد ادبیات تطبیقی، در جهانی که هرروزه درگیر کشمکش سیاسی و همواره از نامالیماتی

همچون جدایی، برتری‌ها و دوگانگی‌ها دم می‌زنند، رسالتی بشردوستانه را می‌رساند. بر پایه نظریه کمپبل، الگوی «سفر قهرمان» وی در دو افسانه موجود است. پس می‌توان آن را الگویی جهانی دانست که با داستان‌های ایرانی نیز قابل انطباق است. نزدیکی و تقارن میان اشتراکات ذهنی و فکری این دو ملت و وجود پیرنگ‌های واحد در هر دو افسانه (ایران و مغرب زمین) دیده می‌شود. آن گونه که مشاهده شد:

- در هر دو اثر مورد بررسی دو شخصیت (تپیک) اصلی داستان، خواهر و برادر هستند که نامادری در اندیشه کشتن آن‌ها است.
- بیداری قهرمان درون در دو افسانه باعث رهسپاری می‌گردد.
- نامادری در هر دو افسانه شخصیتی منفی (ضدقهرمان) است.
- در هر دو افسانه شخصیت برادر (پسر) از آب چشمه و رودخانه‌ای که توسط نامادری سحر و جادو شده می‌نوشد و در پیکره حیوان (آهو) درمی‌آید.
- در هر دو افسانه، قهرمان داستان همراه با برادر خود به سوی جنگل رهسپار می‌شوند و از دست نامادری به کلبه‌ای چوبی یا بر روی درختی پناه می‌گیرند.
- در هر دو افسانه یادشده، شخصی ناشناس وارد روند داستان شده و به عنوان شخصیت یاریگر از خواهر و برادر حمایت می‌کند و آن‌ها را با خود به جای امن (خانه خود) می‌برد.
- در هر دو اثر مورد تحقیق، یا خود یاریگر یا فرزندش با قهرمان داستان (دختر) ازدواج می‌کند.
- در هر دو افسانه نامادری سوزانده شده که پس از سوزانده شدن نامادری، طلسم برادرها شکسته می‌شود.
- بررسی سیر تحول و رستگاری شخصیت قهرمان در دو افسانه، نشان داد که با به کارگیری این شیوه، می‌توان شخصیت‌ها را در ادبیات معاصر بهتر درک کنیم و با لایه‌های گوناگون داستان از نگاه کهن الگوی قهرمان، بیشتر آشنا شویم.

۳. نتیجه‌گیری

در بررسی و واکاوی افسانه‌های از دو ملت (افسانه ایرانی و دیگری از غرب) مبین آن بود که؛ الگویی که کمپبل برای فراکاوای صور مثالی ارائه کرد؛ به عنوان الگویی جهان‌شمول و معتبر در واکاوی افسانه‌های کهن است. این الگوی «سفر قهرمان» تا حد بسیار زیادی، همسو با مراحل سفر در این دو افسانه است. بیداری قهرمان درون در وجود شخصیت قهرمانی در این دو داستان بر پایه انگاره کمپبل، پایان‌دهنده نظریه اسطوره‌یگانه وی است که در این جهت یک فرایند دگرذیسی ایجاد شد. از دید کهن الگوی سفر قهرمان، این دو

داستان دربردارنده سه مرحله عزیمت، تشرّف و بازگشت است. با توجّه با اشارات بالا، این صور مثالی به عنوان «ناخودآگاه جمعی» بشر به حساب می‌آیند. آن‌ها وابسته به قوم یا ملّتی خاص نیستند؛ از این رو، در نقد و بررسی آن می‌توان دریافت که در بیشتر ملّت‌ها، اشتراکاتی در این زمینه وجود دارد که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. افسانه‌های ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. داستان‌ها و افسانه‌های مختلفی از زمان‌های دور در اندیشه مردمش شکل گرفته که از اسلاف به اخلاف منتقل شده و در آثار نویسندگان نسل‌های بعد پدیدار شده.

منابع

- آسمند، علی؛ خسروی، حسین (۱۳۷۷). *افسانه‌ها و قصّه‌های چهارمحال و بختیاری*. شهر کرد: ایل.
- اسودن، روت (۱۳۸۷). *خودآموز یونگ*. ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: آشیان.
- امامی، نصرالله (۱۳۸۵). *مبانی و روش‌های نقد ادبی*. تهران: جامی.
- ایلیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش.
- بوید و میرز (۱۹۸۸). *آموزش تحول‌آفرین*. *مجله بین‌المللی آموزش مادام‌العمر*، ۷(۴)، ۲۶۱-۲۸۴.
- پراستیو، تافیک اندی (۲۰۱۷). *تف روی قبرت*. *مطالعه‌ای در مورد سفر قهرمانی*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه دولتی اسلامی یوگارتا.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیرسون، کارول. اس (۱۳۹۴). *بیداری قهرمان درون*. ترجمه فرناز فرود. تهران: کلک آزادگان.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۸۵). *مردم‌شناسی ایرانی*. تهران: افکار.
- حین کارودت (۱۳۷۵). *افسانه‌های مغرب زمین*. ترجمه رضا احمدی. تهران: شمشاد.
- دیرلیکس، جان (۱۹۹۸). *نظریه یادگیری تحول‌آفرین در عمل آموزش بزرگ‌سالان*، یک مرور کلی. *مجله یادگیری مادام‌العمر PAACE*، ۷، ۱-۱۴.
- دیرلیکس، جان (۲۰۰۶). *اصالت و تخیل*. *دستورالعمل‌های جدید برای بزرگ‌سالان و آموزش مداوم*، ۱۱۱، ۲۷-۳۹.
- روتون، که (۱۳۸۱). *اسطوره*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: مرکز.
- ستاری، جلال (۱۳۴۸). *سه مفهوم اساسی در روان‌شناسی یونگ*. *نامه علوم اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۲۷-۱۵۰.
- ستاری، جلال (۱۳۶۶). *رمز و مثل در روان‌کاوی*. تهران: توس.
- سخنوری، جلال (۱۳۷۹). *نقد ادبی معاصر*. تهران: رهنما.
- شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۸۴). *نقد ادبی*. نشر داستان.
- شوالیه، ژان ژاک؛ آلن گربران (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق سودابه فضائلی. تهران: جیحون.

فرانکل، ویکتور (۱۳۶۷). *انسان در جست‌وجوی معنی*. ترجمه اکبر معارفی. تهران: دانشگاه تهران.
 فورد هام، فریدا (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ*. ترجمه مسعود میربهاء. تهران: جامی.
 فورمتی، لورا و وست، لیندن. (۲۰۱۸). *تغییر دیدگاه در یادگیری مادام‌العمر و آموزش بزرگ‌سالان*. یک دیالوگ.
 انتشارات پالگریو مک میلان.
 کلارک. (۲۰۱۲). *دگرگونی به‌عنوان روایت تجسم‌یافته*. کتاب راهنمای یادگیری تحول‌آفرین: نظریه، تحقیق و عمل.
 ۵۰۳-۵۲۰، انتشارات وایلی.

کمپیل، جوزف (۱۳۸۰). *قدرت اسطوره*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
 کمپیل، جوزف (۱۳۸۹). *قهرمان هزارچهره*. ترجمه شادی خسروپناه. تهران: گل آفتاب.
 کمپیل، جوزف (۱۳۹۲). *قهرمان هزارچهره*. ترجمه شادی خسروپناه. چاپ اول. مشهد: گل آفتاب.
 گرین، ویلفرد و دیگران (۱۳۸۳). *مبانی نقد ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر.
 لهنر، دنیلا. (۲۰۲۲). *سفر قهرمان/ قهرمان - فراخوانی برای تحول؟ یادگیری تحول‌آفرین، الگوهای کهن‌الگویی و تجسم دانستن / یادگیری*. مجله آموزش تحول‌آفرین، ۲۰ (۲)، ۸۸-۱۰۴.
 مختاری، محمد (۱۳۸۰). *حماسه در راز و رمز ملی*. تهران: توس.

مورنو، آنتونیو (۱۳۸۰). *یونگ، خدایان و انسان مدرن*. ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: مرکز.
 مورنو، آنتونیو (۱۳۸۸). *یونگ، خدایان و انسان مدرن*. ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: نشر مرکز.
 نیچه، فردریش (۱۳۸۷). *غروب بت‌ها*. ترجمه داریوش آشوری. تهران: آگه.
 ووگلر، کریستوفر (۱۳۸۷). *سفر نویسنده*. ترجمه محمد گذرآبادی. تهران: مینوی خرد.
 ویتلا، استوارت (۱۳۹۰). *اسطوره و سینما*. ترجمه محمد گذرآبادی. چاپ دوم. تهران: هرمس.
 یاور، حوزا (۱۳۸۶). *روان‌کاوی و ادبیات*. تهران: سخن.
 یونگ، کارل گوستاو (۱۳۶۸). *چهار صورت مثالی*. ترجمه پروین فرامرزی. مشهد: آستان قدس رضوی.
 یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷). *انسان و سمبل‌هایش*. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.
 یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۲). *روان‌شناسی و دین*. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۰). *چهار صورت مثالی: مادر، ولادت مجدد، روح، مکار*. مشهد: آستان قدس رضوی.

References

- Asmand, A. & Khosravi, H. (1998). *Legends and tales of Chaharmahal and Bakhtiari*. Shahrekord: il.
 Boyd, R. D., & Myers, G. J. (1988). Transformative education. *International Journal of Lifelong Education*, 7 (4), 261-284.
 Campbell, J. (2001). *The Power of myth*. Tr. by Abbās Moxber. Tehrān: Markaz.
 Campbell, J. (2008). *The hero with a thousand faces*. California: New World Library

- Princeton University Press.
- Campbell, J. (2010). *The Hero with a Thousand Faces*. Tr. by Šadi Xosrow Panāh. Tehrān: Gol-e-Āftāb.
- Campbell, J. (2013). *The Hero with a thousand faces*. Tr. by Šadi Xosrow Panāh. First Edition. Mašhad: Gol-e-Āftāb.
- Carodot, H. (1375). *Legends of The west*. translated by reza ahmadi, Tehran: Shamsbad.
- Clark, C. M. (2012). *Transformation as embodied narrative*. In Taylor & Cranton, The handbook of transformative learning: Theory, research, and practice (pp. 503–520). Wiley.
- Dirkx, J. M. (1998). Transformative learning theory in the practice of adult education: An overview. *PAACE Journal of Lifelong Learning*, 7, 1–14.
- Dirkx, J. M. (2006). Authenticity and imagination. *New directions for Adult and Continuing Education*, 111, 27–39.
- Eliade, M. (1993). *Treatise on the history of religions*. Tr. by Jalāl Sattārī. Tehrān: Sorūš (In Persian).
- Emāmī, N. (2006). *Fundamentals and methods of literary criticism*. Tehrān: Jāmī (In Persian).
- Fordham, F. (2010). *An Introduction to Jung's psychology*. Tr. By Mas'ūd Mīrbahā. Tehrān: Jāmī (In Persian).
- Formenti, L., & West, L. (2018). *Transforming perspectives in lifelong learning and adult education*. A dialogue. Palgrave Macmillan.
- Frankl, V. (1987). *Man's search for meaning*. Tr. by Akbar Ma'ārefī. Tehrān: Tehrān University Press.
- Freiler, T. J. (2008). Learning through the body. *New Directions for Adult and Continuing Education*, 119, 37–47.
- Green, W., Richards & Winchester, C. (1997). *Principles of literary criticism*. Tr. by Farzāneh Tāherī. Tehrān: Nīlūfar.
- Green, W., Richards & Winchester, C. (2004). *Principles of literary criticism*. Tr. by Farzāneh Tāherī. Tehrān: Nīlūfar.
- Hassanzadeh, A. (2006). *Iranian anthropology (in Farsi)*. Tehran: Feker Publication (In Persian).
- Jung, C. (1989). *Four archetypes*. Tr. by Parvīn Farāmarzī. Mašhad: Āstān Qods Razavī.
- Jung, C. (1998). *Man and his Symbols*. Tr. by Mahmūd Soltānīyeh, Tehrān: Jāmī.
- Jung, C. (2003). *Psychology and religion*. Tr. by Fo'ād Rūhānī. Tehrān: Scientific and Cultural Publications.
- Jung, C. (2011). *Four archetypes. Mother, rebirth, spirit*. Trickster. Tr. by Parvīn Farāmarzī. Mašhad: Āstān Qods Razavī.
- Lehner, D. (2022). The heroine's/hero's journey—A call for transformation? Transformative learning, archetypal patterns, and embodied knowing/learning. *Journal of Transformative Education*, 20 (2), 88-104.
- Moreno, A. (2001). *Jung, gods, and modern man*. Tr. by Dārīūš Mehrjūī. Tehrān: Markaz.
- Moreno, A. (2009). *Jung, gods, and modern man*. Tr. by Dārīūš Mehrjūī. Tehrān: Markaz.

- Moxtārī, M. (2001). *Epic in National Mystery*. Tehrān: Tūs (In Persian).
- Moyers, B. & Campbell, J. (1991). *The power of myth*. New York: Anchor, Reissue Edition.
- Nietzsche, F. (2008). *Sunset of Idols*. Tr. by Dārīūš Ašūrī, Tehrān: Āgah.
- Pearson, C. S. (2015). *Awakening the heroes within*. Tr. by Farnāz Forud, Tehrān: Kelk-e-Āzādegān.
- Prastiyo, T. A. (2017). *I Spit on you grave: A study on hero's journey* (Doctoral dissertation, State Islamic university).
- Pūrnmāmdārīān, T. (2007). *Mysteries and mysterious stories in persian literature*. Tehrān: Scientific and Cultural Publications (In Persian).
- Rank, O. (2019). *The Myth of the hero's birth: A Psychological Interpretation of Myths*. Tr. by Mehrnāz Mesbāh, Tehrān: Āgah.
- Ruthven, K. (2002). *Myth*. Tr. by Abolqāsem Esmāīlpūr. Tehrān: Markaz.
- Sattārī, J. (1970). Three basic concepts in Jungian Psychology. *Journal of Social Science*, (9), 127-150 (In Persian).
- Sattārī, J. (1987). *Mystery and parable in Psychoanalysis*. Tehrān: Tūs (In Persian).
- Šayganfar, H. (2005). *Literary criticism*. Dāstān (In Persian).
- Shuvaliye, J. J. & Gorbran, A. (2006) *Culture of symbols. Translation and research by Soodabeh Fazaeli*. Tehran: Jeihoon.
- Snowden, R. (2008). *Teach yourself Jung*. Tr. by Nūreddīn Rahmānīān, Tehrān: Āshīān.
- Soxanvarī, J. (2000). *Contemporary Literary Criticism*. Tehrān: Rahnamā (In Persian).
- Vovgler, C. (2008). *The writer's journey: Mythic Structure for Writers*. Tr. by Mohammad Gozarābadī. Tehrān: Mīnūy-e- Xerad.
- Voytilla, S. (2011). *Myth and the movies*. Tr. by Mohammad Gozarābadī. Second edition. Tehrān: Hermes.
- Yāvārī. H. (2007). *Psychoanalysis and Literature*. Tehrān: Soxan (In Persian).

